

کاپون؛ سوژه پر تکرار سینمای هالیوود

شاهین رجیبی



شخصیت‌های جانی و مخوف همواره برای سینمادوستان از جذابیت خاصی برخوردار بوده‌اند. قاتلان تنها مثل «ساموایی» ژان پیر ملویل و «لئون» لوک بسون، «گوست داگ» جیم جارموش، شخصیت جانی هانیبال لکتر، روان‌پزشک آدم‌خوار و قاتلان زنجیره‌ای مثل زودیاک، خانواده منسون و... هر چند سال یک‌بار مورد توجه فیلم‌سازان قرار می‌گیرند و زوایای جدیدی از شخصیتشان به فراخور سلیقه مخاطبان روی پرده سینماها می‌رود.

یکی از این شخصیت‌ها «آل کاپون»، گانگستر مخوف دهه ۱۹۴۰ آمریکا است که تاکنون بارها دست‌مایه ساخت فیلم‌ها و سریال‌های مختلف شده است. اولین فیلمی که بر اساس این شخصیت روانه پرده سینماها شد، «آل کاپون» محصول ۱۹۵۹ به کارگردانی ریچارد ویلسون بود. در این فیلم که داستان خیزش و افول آل کاپون را به‌عنوان سردهسته خلاف کاران شیکاگو روایت می‌کند، راد استایگر بازیگر نقش اول بود. این فیلم با نمره ۶/۸ از ۱۰ همچنان جزو آثار قابل قبول برای مخاطبان سایت IMDB محسوب می‌شود.

البته پیش از این هم در سال ۱۹۳۱ فیلمی به نام «صورت زخمی؛ شرم یک ملت» به کارگردانی هاوارد هاکس و تهیه‌کنندگی هاوارد هیوز بر اساس ماجرای کشتار روز ولنتاین ساخته شده بود، اما در این فیلم شخصیت آل کاپون به‌صورت مستقیم حضور ندارد. به همین دلیل هم نامش را به‌عنوان اولین فیلم درباره کاپون نیابردیم. نمره این اثر در سایت IMDB ۷/۸ از ۱۰ است.

فیلم تلویزیونی «دارو دسته صورت زخمی» محصول ۱۹۵۹، «کشتار سنت ولنتاین» محصول ۱۹۶۷، «سرمایه‌گذاری کاپون» ۱۹۷۴، «کاپون» محصول ۱۹۷۵ با بازی سیلوستر استالون، «فرانک نیتی: زورگیر» محصول ۱۹۸۸ با محوریت مزدور مخصوص آل کاپون، اپیزود تلویزیونی «آن گروه قدیمی من» محصول ۱۹۹۴، «دیلینجر و کاپون» محصول ۱۹۹۵، مستند «یک شهر، یک گانگستر، یک نمایش» محصول ۲۰۱۵ و... تنها بخشی از آثاری است که درباره این شخصیت ساخته شده است. البته موفق‌ترین اثری که بر اساس شخصیت آل کاپون ساخته شده، «تسخیرناپذیران» است. این فیلم به کارگردانی برایان دی پالما، بر اساس سریالی به همین نام شکل گرفت که بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ از شبکه ABC آمریکا پخش می‌شد و محبوبیت فراوانی داشت. شخصیت اصلی فیلم الیوت نس با بازی «کوین کاستنر»، یک مأمور قانون‌مدار اف‌بی‌آی است که ابتدا سعی دارد در چارچوب قانون آل کاپون را دستگیر کند، اما با وجود فساد گسترده در پلیس و مأموران که مزدبگیر آل کاپون هستند، ناچار می‌شود دسته‌ای از افراد معتمد را دور هم جمع کند و به همان شیوه گانگستری که نامش را «روش شیکاگویی» گذاشته است، علیه آل کاپون بجنگد. دی پالما موفق شده است در این فیلم روایتی جدید از نبرد خیر و شر را به تصویر بکشد؛ تصویری که کوین کاستنر و اندی گارسیا را به‌عنوان ستاره‌های جدید هالیوود جا انداخت، شان کانری را صاحب مجسمه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد کرد، ۳ نامزدی اسکار در رشته‌های طراحی صحنه، کارگردانی هنری و بهترین موسیقی را برای انیسو موریکونه به همراه داشت و تا به امروز هم نقش آفرینی رابرت دنیرو به‌عنوان آل کاپون در این فیلم، باورپذیرترین تصویری است که از این گانگستر مخوف بر پرده سینما جان گرفته است. این اثر در IMDB نمره ۷/۹ از ۱۰ را دارد.

آل کاپون بود و باعث شد نام مستعار «صورت زخمی» را رویش بگذارند. او از این اسم متنفر بود. مسلماً نام مستعاری را که بین دوستانش داشت، ترجیح می‌داد؛ «اسنورکی» یا خوش‌پوش. کاپون در سال ۱۹۱۹ به دعوت گانگستری به نام جانی توریو از نیویورک به شیکاگو رفت. همان زمان بود که سیفلیس گرفت و باعث شد در اواخر عمر سیفلیس عصبی، او را دچار زوال عقل کند. کاپون در سال ۱۹۲۹ در روزی که قتل عام ولنتاین نام گرفت، دار و دسته شمالی‌ها را تیرباران کرد و به این ترتیب سرکرده اصلی خلاف کاران شیکاگو شد و به مدت ۷ سال بر این شهر فرمانروایی کرد. پلیس‌ها را خرید و هیچ رد پایی هم از کارهای خلافش باقی نمی‌گذاشت. آخر سر هم یک مأمور اف‌بی‌آی به نام «الیوت نس» به بهانه فرار مالیاتی موفق شد او را دستگیر و به زندان محکوم کند. داستانی که به زیبایی در فیلم «تسخیرناپذیران»، از شاهکارهای کارگردانی برایان دی پالما، به تصویر کشیده شده است. آل کاپون که مظنون به ۳۳ فقره قتل بود، هرگز در این باره محکوم نشد. بابت فرار مالیاتی هم ۸ سال به زندان رفت، سپس به دلیل زوال عقل ناشی از سیفلیس عصبی آزاد شد و سال آخر عمر را در خانه شخصی‌اش سپری کرد و سرانجام در سن ۴۸ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت.

همان طور که می‌بینید، فرازونشیب‌های دراماتیک و جذابی در زندگی آل کاپون وجود دارد. داستان کودکی و چگونگی شکل گرفتن شخصیت گانگستری در او، داستان اوج گرفتنش به‌عنوان رئیس مافیای شیکاگو، تحقیقات پلیسی برای دستگیری او، زندگی گانگستری از نگاه همسر آل کاپون و...

متأسفانه جاش ترنک که فیلم موفق «Chronicle» را در کارنامه دارد، همه این بخش‌های جذاب را رها کرده و به یک سال پایانی عمر او پرداخته است. در نتیجه ما در این فیلم شاهد یک آل کاپون مریض احوال و هذیانی هستیم که حتی نمی‌تواند خودش را نگه دارد و در طول فیلم چندین بار خودش را خراب می‌کند؛ تصویری که بیشتر ترحم برانگیز است تا پرتزهای از یک گانگستر مخوف. می‌ماند بازی تام هاردی که هرچند خاص است، بدجوری از بافت فیلم بیرون می‌زند. حتی صدایش طوری است که گویی دوبله شده است. در مجموع «کاپون» هیچ نکته جدیدی درباره این شخصیت به ما نمی‌دهد. خط‌های داستانی حاشیه‌ای مثل پسر ناشناخته آل کاپون و پزشک تقلبی که می‌خواهد جای ۱۰ میلیون دلار گم‌شده را از زیر زبان او بیرون بکشد هم هیچ‌یک به جایی نمی‌رسند و بسط پیدا نمی‌کنند. آخرش ما می‌مانیم و یک «که چی؟» بزرگ در ذهن که پاسخی برایش نداریم. فیلم‌نامه کاپون می‌تواند درباره هر جنایت کار دیگری باشد که روزهای آخر عمرش را با عذاب می‌گذراند و نام آل کاپون در فیلم نقش خاصی ندارد. فیلم تا میانه خود بسیار کند پیش می‌رود و دیدن مشکلات کاپون شاید برای چند دقیقه ابتدایی برای بیننده جذاب باشد، اما به تدریج مسئله لوث می‌شود. همسر و فرزند او نیز نقش خاصی را در داستان ایفا نمی‌کنند و تمرکز بیش از حد فیلم‌نامه روی شخصیت کاپون باعث شده تا آن‌ها شبیه به مترسک‌هایی باشند که نقشی در فیلم ندارند. متأسفانه ترنک حتی برای پرورش ایده ضعیف خود درباره آل کاپون نیز به اندازه کافی هوشیار نبوده است. در فیلم «کاپون» شخصیت‌های مکمل بسیاری حضور دارند که خرده‌روایت‌هایی را در طول داستان رقم می‌زنند که در کمال تعجب، هیچ کدامشان گسترش نمی‌یابند و در حد سؤال‌های بی‌پاسخ باقی می‌مانند. مسئله پسر دیگر کاپون یکی از این موارد است که در طول فیلم چندین بار مطرح می‌شود، اما هرگز به آن پرداخته نمی‌شود.



کاپون
محصول ۲۰۲۰ آمریکا
کارگردان: جاش ترنک
بازیگران: تام هاردی، لیندا کاردینینی، مت دیلون

لانگ شات

مخبره

مخبره از کان روزنامه شهپارا

